

## رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت در افراد سنین ۱۵ تا ۳۰ سال

مهدی غلامی<sup>۱\*</sup>، اصغر نوروزی<sup>۲</sup>، زهرا عزیزی<sup>۳</sup><sup>۱</sup> مدرس دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی، مشاور آموزش و پرورش (mahdigholami58@yahoo.com)<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی سواد کوه<sup>۳</sup> کارشناس روانشناسی

## چکیده

بنا به یافته‌های اخیر هوش معنوی، نهایی‌ترین هوش انسان معرفی شده که با خود آگاهی، روابطمان را با مافوق برقرار ساخته و به واسطه آن به سوال سازی در رابطه با مسائل بنیادی در زندگی می پردازیم. نقش خلاقیت در ارتباط با هوش معنوی برای پاسخ به سوالات اساسی زندگی حائز اهمیت است. بنابراین هدف از پژوهش تعیین رابطه هوش معنوی با خلاقیت می باشد. جامعه پژوهش نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله شهرستان گرگان می باشد که از این تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی آقای عبدالله زاده که دارای ۲۹ سوال در ۵ درجه و به روش واریماکس دارای دو متغیر درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی است و پرسشنامه خلاقیت عابدی که دارای ۷۵ سوال با ۳ گزینه لیکرتی می باشد. نتایج نشان داده اند در حالت کلی رابطه معنی دار مثبت ۰/۳۲۲ در سطح ۰/۰۱ بین هوش معنوی و خلاقیت وجود دارد همچنین بین متغیر درک و ارتباط با سرچشمه هستی با خلاقیت رابطه معنی دار ۰/۲۶۳+ و بین زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی و خلاقیت رابطه معنی دار ۰/۳۱۲+ در سطح ۰/۰۱ وجود دارد بنابراین ارتباط خلاقیت با یک مرکز معنوی در مغز به نام هوش معنوی در رشد توسعه یکدیگر و نیز درک مهارت‌های مهمی چون توسعه و حفظ ارتباط با منشأغایی، جستجوی معنی زندگی، درک معنویت و ارزش‌ها، یافتن یک مسیر اخلاقی در زندگی بسیار حائز اهمیت است.

کلید واژه‌ها: معنویت، خلاقیت، نوجوانان و جوانان.

مستلزم آزمایش ایده‌ها، قبض و بسط آنها، گزینش مناسبترین ایده‌ها و بکارگیری مجدد آنهاست. (عبدلله زاده، ۱۳۸۸) واگان در تحقیقی دیگر بیان نمود که هوش معنوی با آگاهی از نفس زمینه شکل گیری یک زندگی تکاملی خلاقانه را فراهم می آورد. (واگان، ۲۰۰۳) با توجه به این مهم نقش هوش معنوی در ارتباط با خلاقیت برای پاسخ به سوالات اساسی زندگی حائز اهمیت است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه هوش معنوی با خلاقیت می باشد. یعنی چه رابطه ای بین هوش معنوی با خلاقیت به عنوان دو متغیر اساسی برای معنی بخشی به زندگی وجود دارد.

## روش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، شامل افراد سنین ۱۵ تا ۳۰ سال شهرستان گرگان است. که از این تعداد ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. به این ترتیب که کل شهر گرگان را به ۸ منطقه تقسیم نموده و سپس به شکل تصادفی ۲ منطقه انتخاب شده‌اند و سپس به همین ترتیب محلات آن منطقه را شماره‌گذاری نموده و از بین آن دو محله انتخاب شده و سپس دو روز هفته که به شکل تصادفی انتخاب شد به این محله‌ها مراجعه و افراد داوطلب جهت پرکردن پرسشنامه انتخاب شده‌اند. نمونه‌ها با توجه به کنترل متغیر سن فقط در دامنه‌ی سنی ۱۵ تا ۳۰ سال انتخاب شده‌اند که از این تعداد ۲۳۴ نفر را زنان و ۱۱۵ نفر را مردان تشکیل می دهند که از این تعداد مجردها با ۷۹ درصد و متأهل‌ها با ۲۱ درصد، با میانگین سنی ۲۱ سال در نمونه حضور داشته‌اند.

ابزار

پرسش‌نامه هوش معنوی: توسط حسن عبدالله زاده با همکاری مهدیه کشمیری و فاطمه عرب عامری هنجاریابی شده است. پایایی این آزمون در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر ۰/۸۷ بود و برای بررسی روایی علاوه بر روایی محتوایی صوری که سوال‌ها با نظر متخصص‌ها (همکاران) تایید شد، از تحلیل عاملی نیز استفاده شد و همبستگی کلیه سوال‌ها بالای ۰/۳۰ بود. این پرسش نامه شامل ۲۹ سوال است و هر سوال ۵ گزینه دارد. در چرخش به روش واریماکس برای کاهش متغیرها ۲ عامل اصلی به دست آمد، که عامل اول با ۱۲ سوال "درک و ارتباط با سرچشمه اصلی" شامل سوال‌های ۱، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۲۴، ۲۷، ۲۹ می شود. عامل دوم با ۱۷ سوال "زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی" که شامل سوال‌های باقی مانده است، نامیده شده است.

آزمون خلاقیت عابدی: فرم کنونی این آزمون دارای ۶۰ ماده است. هر سوال دارای ۳ گزینه است که به تعداد ۲۲ ماده در بخش سیالی از ۱ سوال تا ۲۲ تا دامنه ای از ۲۲ تا ۶۶ تا ۱۱ ماده در بخش بسط از سوال ۲۳ تا ۳۳ تا دامنه ای از ۱۱ تا ۳۳، ۱۶ ماده در بخش ابتکار از سوال ۳۴ تا ۴۹ تا دامنه ای از ۱۶ تا ۴۸ و ۱۱ ماده در بخش انعطاف پذیری از سوال ۵۰ تا ۶۰ تا دامنه ای از ۱۱ تا ۳۳ تقسیم شده است. برای محاسبه روایی آزمون به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان سوم راهنمایی

هوش رفتار حل مسئله سازگانه‌ای است که در راستای تسهیل اهداف کاربردی و رشد سازگارانته جهت‌گیری شده است (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶) در طی دهه اخیر، نظریه پردازان و صاحب نظران در باب یادگیری و هوش به این نتیجه رسیده‌اند که علاوه بر دو هوش کلی (IQ) و هوش هیجانی (EQ) جنبه دیگری از هوش هم وجود دارد که کاملاً منحصر بفرد و انسانی است. در واقع امروزه گفته می شود که IQ و EQ پاسخگوی همه چیز نبوده و واقعاً موثر نیستند. بلکه انسان به عامل دیگری نیازمند است که هوش معنوی یا به اختصار SQ نامیده می شود. بنا به یافته‌های اخیر هوش معنوی، نهایی ترین هوش انسان معرفی شده و نقطه عطفی در این زمینه به شمار می آید. هوش معنوی با خود آگاهی، روابطمان را با مافوق برقرار ساخته و به واسطه آن به سوال سازی در رابطه با مسائل بنیادی در زندگی می پردازیم همچنین ارتباط تاریخی دین و معنویت با اسطوره و داستان پردازی گویای آنست که چیزی در اعتقادات وجود دارد که محرکی قوی برای قوه تخیل آفرینشگر است. که نماینگر اهمیت قوه خلاقیت در این زمینه است بنابراین هوش معنوی به همراه عوامل دیگری از جمله‌های‌اندیشه انسان چون خلاقیت می تواند به آدمی کمک کند تا روندی پویا در زندگی خود داشته باشد و او را قادر می سازد تا از امکانات پیرامون خود در جهت بقا و رشد و تکامل استفاده کند.

دوران حاضر تحت عنوان عصر خلاقیت و نوآوری نامیده شده است، چرا که کمیت و کیفیت نوآوری‌های کنونی انسان و سرعت و شتاب فزاینده آن‌ها با دیگر دوره‌های تمدن بشری بسیار متفاوت است. جوامع در دوره انتقال و تغییر، نیاز مبرمی به راه حل‌های خلاقانه برای حل مسائل حال و آینده خود دارند (رحیمی، ۱۳۸۷، ۱۰۳). افزایش بیماری‌های روانی موضوع روز بوده و رابطه مستقیم با سیر صعودی رشد جمعیت و افزایش فشارهای عاطفی و هیجانی و بروز مشکلات جدید دارد (میلانی فر، ۱۳۸۶، ۲۹). هوش معنوی و خلاقیت در کنار سایر مهارت‌های موثر در زندگی می تواند به افراد برای مقابله با بحران‌های زندگی و داشتن یک زندگی سالم و سعادت‌مند کمک کند. پرورش معنویت می تواند تعیین کننده مسیر اصلی زندگی انسان و نیز سرنوشت سعادت آمیز او باشد و وجود خلاقیت در زندگی فرد می تواند برای او حل مسائل، رضایتمندی شخصی و تایید اجتماعی را به ارمغان آورد. پژوهش‌های زیادی بیانگر اهمیت نقش هوش معنوی و خلاقیت در بهبود زندگی و افزایش رضایتمندی در زندگی بوده‌اند.

مک کینون (۱۹۶۲)، به نقل از زوهر، (۲۰۰۰) در پژوهشی که انجام داد دریافت آزمودنی‌های خلاق اغلب هوش بالاتر از متوسط و بعضی هوش بسیار بالایی داشته‌اند. دانا زوهر در بیان دیگر عنوان نمودند که بین انعطاف پذیری و هوش معنوی رابطه مثبت وجود دارد.

لطفی و سیار در تحقیقی دیگر بیان کرده‌اند که بین هوش معنوی و سلامت روانی رابطه مثبت متناداری و جود دارد. (لطفی، سیار، ۱۳۸۶). راجرز معتقد است بین خلاقیت و شخصیت سالم همبستگی مثبت وجود دارد. مزلو نیز اظهار می کند: مفهوم سلامت روانی با خلاقیت نزدیک و حتی مشابه است (مک کینون، ۱۹۶۲). مک مولن (۲۰۰۳) در تحقیقی بیان نمود که بین بصیرت و هوش معنوی رابطه وجود دارد. نلر لحظه "اشراق معنوی" را اوج خلاقیت می داند. تفکر در این مرحله همچون "عدسی" اطلاعات پراکنده را مترامک می سازد و به تعبیر گشتالتیون، گشتالت‌های ناقص را کامل می کند. مجموع این دو مرحله (نهفتگی و اشراق) را "ایده یابی" نیز گفته‌اند که

هستند. برخی از اجزای هوش معنوی مانند عقل شهودی، ادراک مستدل، زندگی با شوق، زندگی با وقار، یکدلی و تعهد، پیوند و خدمت خلاق، همگی به وجود عامل خلاقیت و تاثیر آن در SQ اشاره دارند. با وجود رابطه ای متقابل و دوسویه، هوش معنوی، ذهن و خلاقیت را روشن و روان انسان را با بستر زیر بنایی وجود مرتبط می سازد و به فرد کمک می کند تا واقعیت را از خیال تشخیص دهد. وجود تفکرات معنوی به فرد خلاق کمک می کند تا در زندگی خود موفق تر و کارآمد تر عمل کند و دچار برخی اشتباهات نشود. برای مثال وجود خردمندی، درستی و صحت، دیدگاه کل نگر داشتن و انعطاف پذیری که از ویژگی‌های افراد با هوش معنوی است؛ به فرد خلاق کمک می کند تا رفتار و افکار درست و موردپسند و توجه جامعه را داشته باشد و از برخی انحرافات در امان باشد. خلاقیت هم یک فرآیند روانی است. فرآیندی که به حل کردن، ایده پردازی، مفهوم سازی، ارائه اشکال هنری و علمی یا تولیدات صنعتی منجر می شود.

کنجکاوی، بازی با ایده‌ها و افکار، طرح مساله یا پژوهش، آینده نگری و پیش بینی، صداقت با خود، تعهد و نظم، نوع دوستی و سادگی رفتار، آستانه تحمل بالا و قدرت مقابله، پشتکار و جدیت ویژگی‌هایی هستند که در افراد خلاق و معنوی دیده می شوند و مشترک هستند. این ویژگی‌ها به فرد کمک می کند تا زندگی با هوش معنوی بالا و خلاقیت بالا داشته باشد.

تفکر در مورد سوالات وجودی مانند وجود زندگی پس از مرگ، جستجوی معنا در زندگی از جمله خصوصیات زندگی با هوش معنوی بالا هستند و کنجکاوی و طرح سوال و بازی با ایده‌ها و افکار از ویژگی‌های افراد خلاق است که به سهولت می توان ظهور این ویژگی‌ها را در افراد با هوش معنوی بالا دید. خلاقیت وابسته به هوش فرض شده است و این خود دلیلی علمی برای وجود رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت است. EQ و SQ به هم مرتبطند. اما در عین حال دو هوش متفاوت و جدا از هم به حساب می آیند. بهره مندی از حداقل EQ می تواند شروع مناسبی را در سفرهای روحانی و معنوی فرد در پی داشته باشد، چرا که کمی خودآگاهی و همدلی برای شروع این روند لازم است، (عبدلله زاده، ۱۳۸۸) اما به محض آغاز تمرینات معنوی، هوش معنوی خود می تواند در رشد EQ نقش بسیار تقویت کننده و فعال کننده داشته باشد. در تحقیقی که توسط پژوهشگران معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم با عنوان رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت انجام شده است بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه معنادار بدست آمده است. هیجان‌ها در افکار انسان تاثیر به سزایی دارند. هیجان‌ها منجر به بوجود آمدن تفکرات خاص می شوند، حافظه را شکل می دهند، دیدگاه‌های مختلف حل مساله خلق می کنند و خلاقیت را سهولت می بخشند، باعث خود آگاهی و ایجاد انگیزه و انرژی برای رسیدن به گام‌های معنوی می شوند. (غباری بناب، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶-۱۲۵)

افراد با هوش معنوی بالا معمولاً به دلیل درون‌نگری و تفکر در خوشبختی دارای اعتماد بنفس بالا و اراده مستقل هستند. این افراد مسئولیت پذیرند و معمولاً از اینکه زندگی یکنواخت و ساکنی داشته باشند، دوری می کنند. این ویژگی‌ها به فرد کمک می کند تا خلاقیت خود را حفظ و پرورش دهد. معنویت در زندگی باعث افزایش اعتماد بنفس می شود و اعتماد بنفس به نوه خود باعث افزایش روحیه خوب و احساس سرزندگی و این امر خود سبب می شود که انسان بتواند ذهن آرام و بازتری داشته باشد. موقعیت‌ها آزارش ندهند و بتواند دیدگاهی خلاقانه و معنوی به زندگی داشته باشد. (عبدلله زاده، ۱۳۸۸)

انسان همواره نیاز به یک منبع و اتصال به یک کل دارد. آرامش زندگی در گرو برآوردن نیازهاست. عبادت و احساس تعلق به یک موجود کل همچون خدا، جزء نیازهای زندگی انسان است. گفته می شود که یک سوم از بیماری‌های جسمی از عوامل روحی ناشی می شوند. بنابراین ارتباط بین اعتقادات دینی و حالات روحی بدان معناست که معنویت نقش مهمی در ابتلا به بیماری یا تندرستی دارد. پرداختن به معنویت در زندگی نیاز به آرامش، بالا بردن سلامت روانی و کاهش برخی مشکلات جسمی را به همراه خواهد داشت. با وجود آرامش و احساس هدفمندی که بر پایه پرداختن به معنویات بدست می آید و نقش هوش معنوی در اکتساب این هدفمندی حائز اهمیت تلقی می گردد، می تواند زمینه و بستر مناسبی برای پرورش و افزایش خلاقیت فراهم آورد، که آن نیز به نوبه خود می تواند رابطه مناسبی در جهت رشد و تعالی معنویت افراد داشته باشد. بنابراین ارتباط خلاقیت با یک مرکز معنوی در مغز به نام هوش معنوی در رشد و توسعه یکدیگر و نیز در کسب مهارت‌های مهمی چون توسعه و حفظ ارتباط با منشأ غایی، جستجوی معنی زندگی، درک معنویات و ارزشها، یافتن یک مسیر اخلاقی در زندگی بسیار حائز اهمیت است.

نبودن پرسش نامه مناسب و متناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی در زمینه هوش معنوی و کمبود پرسش نامه جامع، کوتاه و مناسب در زمینه خلاقیت. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده است. بنابراین پیشنهاد می گردد در زمینه تهیه یک پرسشنامه در زمینه هوش معنوی منطبق با توصیف احادیث شریف و روایات اسلامی از ویژگی‌های انسانهای متقی و باهوش معنوی بالا تهیه و هنجار یابی گردد. همچنین با توجه به اهمیت معنویت در زندگی انسان به عنوان یک متغیر مهم روانشناختی نو، تاثیر هوش معنوی با موضوعات دیگر مورد سنجش قرار گیرد.

همزمان با آزمون خلاقیت عابدی، آزمون خلاقیت تورنس نیز داده شد. از آزمون تورنس به عنوان شاخص روایی همزمان استفاده شد. ضریب همبستگی بین نمره کل آزمون تورنس و نمره کل آزمون جدید معادل ۰/۴۶ به دست آمد. ضرایب پایایی بخش‌های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط از طریق بازآزمایی در اجرای فرم اولیه این آزمون توسط دکتر عابدی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴، ۰/۸۰ بدست آمده است.

#### مراحل اجرای آزمای

برای اجرای پرسشنامه ابتدا هدف از بیان پژوهش به نمونه‌ها به شکل فردی و یا گروهی با جمع نمودن در یک مکان غالباً پایگاه محل یا منزل به آنها ارائه و خواسته شد هر یک از پرسشنامه‌ها را به صورت انفرادی پاسخ دهند و بعد از اینکه نمونه آماری کامل شد، پاسخنامه‌ها برای به دست آوردن نتایج آماری جمع آوری گردید.

#### نتایج

نتایج نشان می‌دهد که بین دو متغیر هوش معنوی و خلاقیت با  $P < 0.001$ ،  $r = 0.1322$  رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین متغیرهای درک ارتباط با سرچشمه هستی و خلاقیت نیز با  $P < 0.001$ ،  $r = 0.263$  رابطه معناداری وجود دارد. بین متغیرهای زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی و خلاقیت نیز  $P < 0.001$  و  $r = 0.312$  رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

#### جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد متغیر درک ارتباط با سرچشمه هستی و خلاقیت

میانگین	انحراف استاندارد	حجم نمونه
۵۲/۷۶۰	۶/۰۴۷۷۵	۲۰۰
۶۹/۴۲۵	۱۵/۹۹۷۰۰	۲۰۰

#### جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد متغیر رابطه زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی و خلاقیت

میانگین	انحراف استاندارد	حجم نمونه
۶۷/۰۱۵	۸/۹۲۸۸	۲۰۰
۶۹/۴۲۵	۱۵/۹۹۷۰۰	۲۰۰

#### جدول ۳

آزمون t جهت مقایسه هوش معنوی در دو گروه زن و مرد

نسبت f	آزمون t	درجه آزادی	درجه معناداری
-۰/۵۱۲	۱۴۲/۶۵۴		۰/۶۱۰

با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل هوش معنوی دو گروه زنان و مردان با یکدیگر مقایسه گردید. نتایج جدول بالا نشان می دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه در میزان هوش معنوی آنان وجود ندارد.

#### جدول ۴

آزمون t جهت مقایسه خلاقیت در دو گروه زن و مرد

F	آزمون t	درجه آزادی	درجه معناداری
۰/۷۶۱	-۱/۰۰۴	۱۹۶	۰/۳۱۷

با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل میزان خلاقیت دو گروه زنان و مردان با یکدیگر مقایسه گردید. نتایج جدول بالا نشان می دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه در میزان خلاقیت آنان وجود ندارد.

#### بحث

هدف از انجام پژوهش تعیین رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت است. که در این تحقیق، بین هوش معنوی و خلاقیت رابطه معنادار مثبت بدست آمده است. به این صورت که اگر هوش معنوی بالا باشد، خلاقیت نیز بالاست و بالعکس.

هوش معنوی مفهومی درونی است و بیشتر نوعی توانایی ذهنی تلقی می شود. مفهوم هوش در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مساله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، هیجانی، بین فردی و... شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش یاری می نماید. SQ هوشی است؛ تحول پذیر، توانایی ای که به انسان قدرت می دهد تا خلاق باشد و قوانین و نقش‌ها را دستخوش تغییرات خود نماید، بتواند تحولات اساسی ایجاد کند و دنیای اطرافش را به بهترین شکل متحول سازد. هوش معنوی و خلاقیت فرایندهایی از مغز انسان‌اند که هر دو نیازمند صرف وقت و انرژی برای رسیدن به اهداف مورد نظر این دو مفهوم

منابع

عبداله زاده، حسن؛ باقرپور، معصومه؛ بوژمهرانی، سمانه؛ لطفی، محدثه (۱۳۸۸). *هوش معنوی*، تهران، انتشارات روان‌سنجی.

حسینی، افضل‌السادات (۱۳۷۸). *ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن*، مشهد، انتشارات به نشر. میلانی فر، بهروز (۱۳۸۶). *روانشناسی کودکان استثنایی*، تهران، نشر دانشگاه علامه.

غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری‌مقدم، ثنا (۱۳۸۶). *هوش معنوی، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی*. ۳(۱۰): ۱۴۷-۱۲۵.

لطفی، محدثه؛ سیار، سمیه (۱۳۸۷). *رابطه هوش معنوی و سلامت روان در افراد بالای ۱۵ سال*. پایان‌نامه رشته روانشناسی، دانشگاه پیام نور.

Mc mullen, b. (2003). spiritual intelligence. [www.studentbmj.com](http://www.studentbmj.com)

Voaghan, f. (2003). what is spiritual intellegence,? *Journal of humanistic psychology*.42(2).

Zohar,danah. (2000). spiritual intellegence the ultimale intellegence.isbn,074546762, [www.civilica.com](http://www.civilica.com). daneshnameh.roshd.ir.

